

پیام متین

شماره مخصوص عرفان در حالی تقدیم خوانندگان گرامی متین می‌گردد که سال مولای متقیان از نیمه گذشته و امید همه آن است که رفتار و کردار ایرانیان در تأسی از آن وجود مبارک، رشحاتی از عرفان ناب اسلامی را تجربه کنند. شخصیتی که سلسله بسیاری از فرق تصوف به وجود قطب الاقطاب وی منتهی می‌گردد و این در حالی است که عرفان اسلامی جز در چند سده اخیر بیشتر و امدار دانشمندان اهل سنت بوده است، عرفان نظری به نحوی که ما می‌شناسیم قرن‌ها بعد از شهادت حضرتش در کتب شیعیان نمود می‌یابد، تا امروز که بزرگترین حافظان این گنجینه علم و عمل، شیعیان و دلباختگان اهل بیت عصمت و طهارت گردیده‌اند، و در این میان حضرت امام را به عنوان دانشمندی که بیشترین کتب خویش را در زمینه عرفان اسلامی نگاشته است باید از زمره بزرگترین صاحبان و مروجان این علم دانست که در بالاترین رده فقاہت شیعی، هم خویش را از توجه به عرفان نظری باز نداشته است. و لذا به واسطه نوع نگاه عارفانه ایشان که برگرفته از فقه و حدیث اهل بیت است، می‌توان عرفان امام را عرفان شیعی نامید. توجه به این نکته که تقریباً همه کتب عرفانی ایشان حول حدیث ائمه اطهار تدوین گردیده است می‌تواند ما را در این انتساب جسورتر گرداند. شرح دعای سحر، شرح حدیث جنود عقل و جهل، چهل حدیث، مستقیماً بر حدیثهای خاصی ناظر است و آداب الصلوة و سر الصلوة توأمان با احادیث بیشمار از امامان شیعه می‌باشد و مصباح الهدایة آمیخته با روایات و تبیین نگاه صاحبان روایت به مبادی اخلاق و عرفان است. ذکر این نکته خالی از لطف

نیست که این عرفان شیعی که پیش از این در آثار برخی بزرگان شیعه نمود دارد با عنایت به حُجج شرعیه مذهب حقّه هم از تجربه تأمّله انسانهای معصوم و کامل مدد می‌جوید و هم بر سالکان حجتی تام و نعمتی تمام محسوب می‌شود.

و همین تفاوتی شگرف بین عرفان شیعی و عرفان غیر شیعی پدید می‌آورد. چرا که عرفان برگرفته از روایات، عرفانی است زائیده نگاه غیر ناقص که شبهه شیطانی بودن و یا غیر واقعی بودن و ناقص بودن در آن راه ندارد و می‌توان مدعی شد تنها عرفانی است که از شبهه عدالت پیر و مرشد مبری است. بنابراین تبیین سخنان عمیق اولیای دین، گنجینه‌ای است که بیشترین غنای ممکن را دربردارد، چنان‌که این مهم در آثار عارف سالک، حضرت روح‌الله دیده می‌شود.

متین امیدوار است با مدد از بزرگان این فن بتواند به تشریح بیشتر عرفان شیعی بپردازد و سؤالاتی از قبیل:

تفاوت عرفان شیعی و غیر شیعی چیست؟ چه موضوعاتی توسط متفکرین شیعه وارد علم عرفان شده است؟ کدام عقاید متفکران غیر شیعه در آثار عرفانی شیعه نقد یا تصحیح شده است؟ نقش روایات اهل بیت در پیدایش موضوعات گوناگون عرفانی چگونه بوده است؟ نقش روایات اهل بیت در تفاسیر عرفانی شیعیان و غیر شیعیان چیست؟ شبهاتی که در تجربیات عارفان غیر معصوم جاری است چرا در احادیث ظنی الصدور جریان نمی‌یابد؟ آیا می‌توان با استناد به اینکه خبر واحد در فقه، حجت دانسته شده است، آن را در عرفان نیز حجت دانست؟ آیا حجت شرعی در علم عرفان معنا دارد؟ میزان تأثیر عرفای غیر شیعه در عرفان شیعه چه مقدار است؟ اگر چنانچه بعضی می‌گویند تجربه عرفانی نوعی از وحی شمرده می‌شود، آیا باز هم روایات می‌توانند نقش برجسته‌ای ایفا نمایند؟

و صدها سؤال جدید دیگر را پاسخ گوید. چنان‌که ممکن است کسانی نفس موضوع را مورد تردید قرار داده و عرفان شیعی را عرفان شیعیان دانسته و آن را امتداد طبیعی عرفان اسلامی بنامند. چنان‌که عرفان اسلامی را برخی عرفان مسلمانان و تمدن اسلامی را تمدن مسلمانان نامیده‌اند. در هر صورت به نظر می‌رسد می‌توان باب سؤال و جوابهایی را پیرامون حقیقت فوق‌گشود و در چالشی جدید، صاحب‌نظران را به مدد طلبید و امید است موسوعه‌ای از روایات عرفانی، محیط عالمان این علم را طراوتی مضاعف بخشد.